

اخلاق و معنویت در علوم پزشکی

سرمقاله

دکتر فریدون عزیزی

مرکز تحقیقات غدد درون‌ریز و متابولیسم، پژوهشکده علوم غدد درون‌ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، نشانی
مکاتبه‌ی نویسنده‌ی مسئول: ولنجک، پژوهشکده علوم غدد درون‌ریز و متابولیسم، دکتر فریدون عزیزی؛
e-mail: azizi@endocrine.ac.ir

رساندن درخت فضیلت و اخلاق در پرتو علم و دانش است و افلاطون اظهار می‌کرد که در پرتو پردازش عقل و خرد فضائل اخلاقی ظهور پیدا می‌کنند و ارتقا می‌یابند. بدیهی است که نمی‌توان پذیرفت که در همه وقت و در همه انسان‌ها، علم و عقل به تنهایی مهارکننده غرائز سرکش و شکوفایی خلق و خوی شایسته و زیبا است. مکتب‌های اخلاقی دیگری نیز ملاک‌های اخلاقی امور را عاطفی و براساس محبت می‌دانند و یا آن‌ها را بر پایه وجدان و برخی نیز بر پایه تکامل اجتماع استوار می‌کنند که هیچ‌یک جامعیت کامل را در امور مربوط به سیرت و باطن انسان شامل نمی‌شوند.

آنچه که امروزه پایه‌های اخلاق پزشکی غربی را پایه‌گذاری کرده است، مکتب اخلاق انتفاعی مادی یا اصالت لذت است. ماهیت تعریف این اخلاق این طور بیان شده است که انسان چه کند که درآمد بیشتر داشته و نفع شخصی و لذت بیشتر ببرد تا موقعیت و شخصیت او در اجتماع افزایش یابد؟ براساس آموزه‌های این مکتب، اخلاق ذاتا پسندیده و ناپسند نیست بلکه حسن و قبح اخلاق را باید از دریچه منافع مادی و لذت انسان شناخت. به عبارت دیگر فضائل اخلاقی هر کجا که منافع مادی را تامین کند و ابزار زندگی، وسیله رونق اقتصاد گردد، به آن عمل می‌شود و گرنه خود اصلتی ندارد.^۱ لذا فلاسفه غرب معتقدند که بشر موجودی منفعت‌طلب است و جز در پی سود خویش نیست. مع‌هذا جامعه نیاز به یک سری روابط حسنه دارد که نام آن را اخلاق گذاشته‌اند و انسان‌ها متقاعد شده‌اند که باید حقوق یکدیگر را رعایت کنند، به سایرین احترام بگذارند، وظایف اجتماعی خود را انجام دهند تا دیگران نیز حقوق و احترام آن‌ها را رعایت کنند. لذا حقوق انسان‌ها فضیلت است و

لغت "اخلاق" جمع "خلق" است و به معنی سیرت و باطن انسان می‌باشد. همان‌گونه که شکل ظاهری انسان ممکن است زیبا و یا نازیبا باشد، شکل باطنی یعنی خوی و ویژگی‌های درونی انسان نیز می‌تواند شایسته و آراسته و یا ناشایسته و نامطبوع باشد. در اصطلاح علما، اخلاق عبارت است از حالت و ملکه‌ای که آدمی را بدون فکر در انجام کارها تحریک کند.^۱ اخلاق ساختار وجودی انسان است و شگرف‌ترین اثر را در حوزه رفتار آدمی دارد.

اخلاق پزشکی در زمره اخلاق حرفه‌ای است و مانند انواع دیگر اخلاق حرفه‌ای برای درک آن ابتدا باید اخلاق را شناخت و سپس با توجه به اهداف و شرایط خاص هر حرفه، اخلاق حرفه‌ای مخصوص آن را مشخص نمود.^۲ حرفه پزشکی صاحب یکی از دو علم وارسته‌ای است که پیامبر اسلام فرموده‌اند: العلم علمان، علم الادیان و علم الابدان؛ زیرا جایگاه هر علم به شرف موضوع آن است و از آنجا که انسان شریف‌ترین موضوع حیات است، لذا پزشکی که به ابعاد مختلف سلامت انسان می‌پردازد، شریف‌ترین علم است. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (ما انسان را در نیکوترین صورت و سیرت آفریدیم، سوره تین، آیه ۴). شناخت اخلاق بستگی به نگرش انسان به فلسفه اخلاق دارد. به عبارت دیگر پایه‌های اخلاق پزشکی براساس مبانی فکری و نظری هر فرد یا جامعه در بحث فلسفه اخلاق پایه‌گذاری می‌شود. لذا در هر کشوری و مکتبی، پزشکان، حقوقدانان، فلاسفه و فقها در تدوین امور مختلف اخلاق پزشکی نقش آفرینی کرده‌اند.

طی قرون گذشته مکتب‌های اخلاقی فراوانی وجود داشته است که امور مربوط به اخلاق پزشکی را تحت الشعاع قرار داده‌اند. در مکتب‌های اخلاقی یونان قدیم، سقراط عقیده داشت که رهبری صحیح عواطف و غرایز در به ثمر

تکلیف و مسئولیت اخلاق ایجاب می‌کند که انسان‌ها آن‌ها را به جا آورند تا منافع همه انسان‌ها تامین شود.^۶ "راسل" بر این باور است که اخلاق فاقد ارزش متعالی و قداست است و می‌گوید: اخلاق چیزی مافوق منفعت شخصی نیست و خود منفعت است.

بر پایه مکتب‌های فلسفی فوق، اخلاق پزشکی این طور تعریف شده است: "اخلاق پزشکی فعالیتی تحلیلی است که طی آن افکار، عقاید، تعهدات، روش، رفتار، احساسات، استدلال‌ات و بحث‌های مختلف تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در پزشکی به صورت دقیق و انتقادی بررسی می‌شود و در موارد لزوم دستورالعمل‌هایی صادر می‌گردد. تصمیمات اخلاق پزشکی، در حیطه عملکرد طبی، بدیهیات و ارزش‌ها، خوب یا بد، صحیح یا نادرست و آنچه را که باید یا نباید انجام شود، مشخص می‌سازند."^۷

با توجه به مطالب فوق، اخلاق مبتنی بر اصول در غرب بر پایه چهار مبنای اخلاقی کلیدی مستقر شده است:

۱- احترام به اختیار و استقلال فرد
(Respect of autonomy)

۲- وظیفه سودمند بودن (Duty of beneficence)

۳- وظیفه عدم ضرر رسانی
(Duty of non-maleficence)

۴- ارزش قائل بودن به عدالت (Respect of justice)

بدیهی است که تعریف و به کارگیری اصول فوق در فرهنگ‌های گوناگون یکسان نیست ولی می‌تواند به عنوان معیارهای کلی در کشورها با فرهنگ‌های متفاوت مورد استفاده قرار گیرد.^۸ کلیات این اصول در اخلاق اسلامی قابل پذیرش است ولی با توجه به تعریف اخلاق در اسلام، این اصول ناکافی است و نیاز به بسط و توسعه بیشتری دارد. لذا در دنباله بحث ابتدا به توضیح مکتب اخلاقی اسلامی، سپس اهمیت چهار بعد سلامت و نهایتاً تلفیقی از اصول اخلاق پزشکی اسلامی می‌نمایم.

مکتب اخلاق اسلام: بهترین و کامل‌ترین و عملی‌ترین مکتب اخلاقی است که به حسن و قبح ذاتی فضائل و رذائل اخلاقی معتقد است. لذا افعال و رفتار، کردار و پندار انسان یا ذاتا نیکو و پسندیده است و یا زشت و قبیح می‌باشد. راستی، درستی، صداقت، امانت، عدالت، محبت و صفاتی نظیر آن‌ها ممدوح و تغییرناپذیر و در مقابل دروغ، خیانت، ظلم، بی‌عدالتی، بی‌عاطفگی و نظایر آن‌ها ذاتا پلید و مذموم و

جزو رذائل اخلاقی است؛ چه برای انسان نتیجه مادی داشته باشند یا نداشته باشند.

اخلاق در اسلام متکی به توحید و ایمان به خداوند متعال است، زیرا مسلمان معتقد است که خداوند در همه احوال حاضر و ناظر اعمال او است. به علاوه مسلمان باور به پاداش و کیفر اعمال خود دارد. غیب و قیامت را قبول دارد و معتقد است که اعمال او در این جهان اثر وضعی دارد و در آخرت هم اثر خیر و شر خود را نشان می‌دهد.

"مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ"
هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، زندگی لذت‌بخش و پاکیزه‌ای عنایت می‌کنیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد (سوره نحل، آیه ۹۷).

اسلام معتقد است که انسان فطرتاً فضیلت دوست و از رذائل متنفر است و آن کس که به عمل صالح و فضائل اخلاقی عمل کند خداوند محبت او را به دل دیگران انداخته و او را محبوب و عزیزش می‌نماید.

"إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا"

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند خداوند رحمان محبت ایمان آوردگان صالح را در دل‌ها می‌افکند (سوره مریم، آیه ۹۶).

به این ترتیب ایمان به خدا و اعتقاد به کیفر و پاداش در روز قیامت، انسان را در برابر گناه بیمه می‌کند و با خویشتن‌داری و تملک نفس در مقابل گناه و رذائل اخلاقی او را محافظت کرده و به تکامل و تعالی رهنمود می‌شود. کلیه ارزش‌های اخلاقی اسلام از جهان‌بینی آن منبعث می‌شود و لذا تبعیت از وحی در تعیین ارزش‌های اخلاقی برای مسلمان اجتناب‌ناپذیر است.

بر مبنای تعاریفی که از جانب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند: "اخلاق اسلامی علمی است که موضوع آن، مجموعه آداب و رفتار پسندیده یا ناپسندی است که صاحبان مشاغل پزشکی باید مدنظر قرار دهند."^۹ به عبارت دیگر "اخلاق پزشکی را می‌توان تنظیم رفتار و اجرای اصول حاکم بر رفتار شغلی پزشکان تعریف کرد."^{۱۰} در این تعریف تاکید بر رفتار خوب و بد و درست و خطا شده است یعنی آن چه به آن Ethics

موارد اصول فلسفه اخلاقی اسلامی را در خلق و خو و رفتارهای پزشکی و نیز چهار بعد سلامت منظور می‌داشته‌اند که اهم آن‌ها به شرح زیر بوده است: توجه به قدرت لایزال الهی به عنوان استفاده‌دهنده اصلی، احترام به اساتید، تعامل مناسب با همکاران و ارجاع به وقت و مشورت با آنان در صورت لزوم، پرهیز از ادعای برتری نسبت به همکاران و یا تحقیر آنان، ارتباط مناسب با بیماران همراه با رازداری، پاک چشمی، رعایت ادب و صبور بودن، قبول اشتباه و عذرخواهی، پرهیز از تکبر و خودبزرگ‌بینی، عدم تبعیض در درمان بیماران، عدم چشم داشت به جبران مالی بیمار، تحمیل نکردن هزینه و عوارض غیرضروری و عدم تجویز دارهای پرعارضه و پرخطر و نیز جدیت در مطالعه و درمان مبتنی بر شواهد و عدم تبعیض در آموزش حرفه پزشکی، خصوصیات بارزی هستند که از حکمای علم پزشکی ما به ارث رسیده است.^۱ خصوصیات فردی یک طبیب شامل مناعت طبع، قناعت، مهربانی، دوری از حرص، بخل و حسد، طمع و کبر و عدم پرگویی، شکم‌بارگی، نظربازی و هوسبازی گنجینه‌های اخلاقی اسلامی بوده است که در شرح حال بسیاری از متقدمین به یادگار مانده است.

گفته می‌شود ولی کمتر به خلق و خوی راسخ در نفس و یا Morals می‌پردازد.

توجه به چهار بعد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی سلامت که امروزه به عنوان تعریف جامع سلامت مورد نظر است،^۲ لزوم بازنگری در مبانی اخلاقی پزشکی که بر پایه اخلاق مادی بنا شده، را ضروری می‌نمایاند. از آنجا که چهار بعد سلامت بر روی یکدیگر اثرگذار هستند و داشتن سلامت معنوی علاوه بر آن که خود اصالت دارد، موجب ارتقا سلامت جسمی، روانی و اجتماعی می‌شود؛ لذا توجه به آن در خلق و خوی نفس و نیز رفتارهای انسانی و رابطه بین پزشک و بیمار و همراهانش از ضروریات مراقبت‌های سلامت همه جانبه در جامعه است.

دانشمندان علم اخلاق پزشکی کشور دعوت می‌شوند که باب گفتگو و مباحثه را برای ورود اصول فلسفه اخلاق در اسلام با نگرشی بر چهار بعد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی سلامت بگشایند و برای جامعه اسلامی کشور عزیزمان و نیز سایر جوامع اسلامی جهان رهنمودهایی در جهت اخلاق نظری و اخلاق عملی پزشکی منتشر نمایند. نگاهی به سیره حکما و اطبای اسلامی به ویژه پزشکان به نام کشورمان نشانگر این واقعیت است که در بسیاری

References

1. Haeri Tehrani M. Human Personality in Quran and Etrat. Imam Mahdi Pub. Foundation, Tehran, Third Edition, 1999, p 207.
2. Marandi A, Azizi F, Larijani B, Jamshidi H, et al. Health in the Islamic Republic of Iran 1979-2014. Ettelaate publication, Tehran, Volume 2, Medical Ethics.
3. Campbell A, Gillett G, Jones G. Medical ethics. UK: Oxford University Press, 2001.
4. Gillon R. Introduction to philosophical medical ethics. UK: Wiley 1985, Reprint 2001, P 1-8.
5. Larijani B, Aramesh K. Physician and ethical prospective. Baraye Farda publication, Tehran, 2013, Volume One.
6. Medical Ethics. Vice President of Cultural Affairs, Ministry of Health and Medical Education, Tehran, Sepehr Publication 1991.
7. Synopsis of Medical Ethics: A collection of articles on medical ethicss. Tehran Soroush Publication, 1994.
8. Azizi F: Spiritual Health. Hoghoughi publication, 2014.
9. Tabei S, Pasalar M, Kiani M. Medical Ethics in Khol-asatol-Hekmah: Medical Ethics and History 2011, 14: (No. 4) 22-30.